منشأ برداشت موضوعیت یقین در چهار مثال

پس عرض من این شد، همان جایی هم که یقین می‌گویند کنارش می‌گویند یکفی الظن. پس معلوم می‌شود آن یقین به‌عنوان یقین نیامده تا جزء الموضوع شود. آخرین عرض من هم این است که این چهار مورد چه تفاوتی با هم دارند؟ یک تفاوت ظریفی دارند. من این را عرض می‌کنم روی آن تأمل کنید. در طواف و رکعتین اولتین، یقین شرط است اما یقین در متعلق حکم است. این‌ها ظرافتی دارد که اگر تأمل کنید آثارش را می‌بینید. رکعتین اولتین کاری است که مکلف انجام می‌دهد و فعل او است، طواف فعل مکلف است و متعلق حکم است اما در یقین به دخول وقت، متیقن عمل خودش نیست، بلکه وقت خارجی است. همچنین در صوم متیقن او حلول شهر مبارک است.

تفاوتی که شهر مبارک با وقت دارد که سبب شده در آن جا خوب جلو بروند و در اینجا این بحث‌ها پیش بیاید، احتمال ًعرض می‌کنم: که در وقت سر و کارشان با واجب موسع بوده. لذا می‌گویند تا یقین صبر کن. اما در صوم واجب مضیق است. یعنی اگر روز رسیدید دائر بین نفی و اثبات است. ای باید روزه باشی ای نباشی. صوم این تفاوت را دارد که چون واجب مضیق بوده فضا را از ادله به این سمت ببرد. به‌خصوص که شارع مقدس روی یقین دوم تأکید کرده. باعث شده که ذهن‌ها سراغ این برود که یقین را جزء موضوع قرار بدهند.

شاگرد: شاید یک وجه دیگر این باشد که چون شارع می‌خواهد بر حدود الله محافظت بکند یقین را جزء الموضوع قرار می‌دهد. چون روی یقین ماه رمضان علاوه‌بر یقین استصحابی عنایت دارد.

استاد: سؤال این است که واقع شهر مبارک، حد الله است ای شهر متیقن، حد الله است؟

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #1
ایجاد شده 30 مه 2026 15:56:31 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2026 15:56:58 توسط ... .